



برزویه طیب: برون داد برنامه درسی تربیت خسروانی

مهدی آقاباقری^۱، محمود مهرمحمدی^{۲*}، خسرو باقری نوع پرست^۳

چکیده

مقدمه: برزویه طیب که به مقام حکمت و خردمندی نیز رسیده، یکی از چهره‌های درخشان شاهنامه در عهد ساسانیان و به گونه‌ای ویژه دربار انوشیروان است. وی در یافتن درخت بقاء راهی هند می‌شود و پس از تحمل رنجی شایان کتاب به پهلوی ترجمه شده و به دربار ایران می‌رسد و چون برزویه نام نیکو ماندن از آدمی را اولویت می‌داند، باب نخست به نام برزوی حکیم نگاشته می‌شود.

روش بررسی: بر اساس روشی تاریخی-تحلیلی-تربیتی منابع مرتبط با پژوهش حاضر مورد واکاوی اندیشه‌ورزانه قرار گرفتند. شاید برزویه و بزرگمهر یک شخصیت باشند اما در شاهنامه این دو نام دو شخصیت بزرگ هستند که یکی پزشک و دیگری وزیر است و نکته قابل توجه آن است که توسعه واقعی حاصل نمی‌شود مگر آنکه تفکر، طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی توسعه همه جانبه در نظر گرفته شود.

نتایج: نخست آنکه تربیت ایران باستان در ردیف کهن‌الگوهای تربیتی است که حاصل تعامل تمدن ایران با تمدن‌های شرق و غرب خود است و دوم آنکه دلالت‌های تربیتی شاهنامه را عطف به انواع تربیت می‌توان باز نمود کرد که این انواع تربیت در سطح پایه در راستای نیل به کمال انسانی و در مرتبه عالی عبارتند از تربیت شهودی و جاودانه‌مانی.

نتیجه‌گیری: یکی از اصول آموزش از جمله آموزش پزشکی معرفی الگو برای دانشجویان است. با توجه به اینکه برزویه، طبیعی نام‌دار بوده که علاوه بر پزشکی توانسته در زمینه‌های دیگر نظیر فلسفه، زبان‌شناسی، ادبیات و منطق تبحر پیدا کند می‌تواند الگویی مناسب جهت فراگیر امروزین باشد.

واژه‌های کلیدی: برزویه، تربیت خسروانی، شاهنامه، کهن‌الگوی تربیتی

۱- دانشجوی دکتری تخصصی، رشته برنامه‌ریزی درسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استاد، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳- استاد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، گروه مبانی فلسفی-اجتماعی آموزش و پرورش، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

*نویسنده مسئول؛ تلفن: +۹۸۹۱۲۱۰۳۹۰۳۲ پست الکترونیکی: mehrmohammadimahmoud@gmail.com

مقدمه

در خصوص برزویه طبیب باید ابعاد متفاوتی را از تربیت وی عطف به منابع گوناگون ذکر کرد تا بتوان در آخر به نتیجه‌گیری درست رسید. با توجه به اینکه برزویه در شاهنامه مورد تأکید قرار گرفته است و بابتی مخصوص به او در قسمت تاریخی شاهنامه که همان قسمت ساسانیان است در نظر گرفته شده در نتیجه یکی از منابع شناخت وی شاهنامه خواهد بود. سه منبع اصلی دیگر، ایران در زمان ساسانیان کریستین سن، تاریخ کمبریج قسمت ساسانیان و مقدمه و باب برزویه در کلیله و دمنه هستند.

تربیت خسروانی در شاهنامه مبتنی بر خرد یا حکمت ایران باستان است و از آموزه‌های سه دوره تمدنی - تاریخی بهره‌مند شده است که عبارتند از الف) دوره قبل از ظهور زردشت به روایت شاهنامه ب) دوره ظهور زردشت تا رسیدن اسلام به ایران ج) دوره اسلامی. تربیت خسروانی به عنوان یک اصلاح تربیتی در پیشینه تنها یک بار توسط رشیدی مطرح گشته است (۱) و بنابر آنچه یونگ در خصوص ویژگی‌های کهن‌الگوها و ناخودآگاه جمعی تمدن‌ها گفته می‌تواند در ردیف

کهن‌الگوهای تربیتی که حاصل تعامل تمدن‌ها و فرهنگ‌های بزرگ شرق و غرب ایران بوده، قرار گیرد (۲)، (۳). این کهن‌الگوی تربیتی بر دو اصل تربیت هنری و تربیت خردورزانه استوار است. بر اساس پژوهش پرنیان و همکاران واژه هنر در شاهنامه ۳۵۲ مرتبه در ۳۳۷ بیت در ۱۰ ساختار و ۲۷ ترکیب و با بیش از ۸۰ معنی مثبت و منفی به کار رفته است (۴). بر اساس پژوهش صادقی گیوی واژه خرد در ۷ مقوله و در ۹۸ معنی مثبت و منفی به کار رفته است که این بسامد نشان از تأکید بر این مفاهیم کلیدی است (۵). علاوه بر این دو مفهوم که ارائه‌دهنده تربیت هنری و خردورزانه هستند، سه مفهوم دیگر در شاهنامه شایان توجه بوده که عبارتند از دین، دانش و فرهنگ که هر یک ارائه‌دهنده تربیت دینی، علمی و فرهنگی هستند. ابیات زیادی را می‌توان در شاهنامه یافت که بر هر یک از پنج مؤلفه ذکر شده یا حتی در ترکیب آن‌ها با یکدیگر و الزام دانستن آن‌ها در نیل به کمال انسانی تأکید کرده‌اند. در جدول ۱، پنج نوع تربیت مذکور عطف به ابیات شاهنامه ارائه شده است.

جدول ۱: مفاهیم کلیدی تربیتی در شاهنامه و مصادیق

مفهوم	مصادیق
هنر	سخن زین درازی چه باید کشید هنر برتر از گوهر آمد پدید، داستان رستم و سهراب
خرد	خرد چشم جان است چون بنگری تویی چشم شادان جهان نسپری، آغاز کتاب؛ ستایش خرد
دین	تورا دانش و دین رهاوند درست در رستگاری بیایدت جست، آغاز کتاب؛ ستایش پیامبر
دانش	توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود، آغاز کتاب
فرهنگ	خرد باید و گوهر نامدار هنر یار و فرهنگش آموزگار، داستان سیاوش
شهود	به فرمان یزدان خجسته سروش مرا روی بنمود در خواب دوش، داستان سیاوش
جاودانگی	به یزدان چنین گفت کای رهنمای همیشه تویی جاودانه بجای، پادشاهی خسرو پرویز

کیخسرو شدن است اما کیخسرو شدن پایان راه نیست چرا که به روایت فردوسی «چو خسرو شدی بندگی را بکوش» بعد از کیخسرو شدن به بیان حافظ در صورت همراهی فیض روح القدس، عرصه تربیت شهودی است که حاصل آن درک مقام جاودانگی برای انسان است. مسیر تربیت برزویه در شاهنامه، طی طریق مراحل ذکر شده است که در ادامه تشریح

در تربیت برزویه هر پنج مؤلفه را می‌توان به وضوح در شاهنامه مشاهده نمود. البته همانگونه که ذکر شد پنج مؤلفه مذکور به عنوان سنگ‌بنای تربیت فردی ایفای نقش می‌کنند تا فراگیر را که تحت نظارت استاد یا اساتید قرار گرفته به کمال انسانی رهنمون شوند؛ کمال انسانی در شاهنامه همان مقام

نمود یافته که «نمیرم از این پس که من زنده‌ام - که تخم سخن من پراکنده‌ام» و یکی از تعبیر سخن به برداشت مسکوب دانش است (۷). و حدیثی است متواتر در ذکر همه بزرگان چون مولانا هم فرموده «خاتم ملک سلیمان است علم».

سجادی در مقاله‌ای که در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی منتشر شده با برابرنه‌اندن منابع متفاوت خارجی و داخلی نظیر مستندات تاریخی بازمانده از زمان ساسانیان، منابع عصر اسلامی و البته پژوهش‌های خارجی نظیر آنچه کریستین سن و نولدکه انجام داده‌اند، گمان‌های متفاوت در خصوص زندگی برزویه را بررسی کرده و در آخر نتیجه را به خود خواننده واگذار کرده که از بین شباهت‌ها و تفاوت‌های منابع ذکر شده کدام خوانش یا روایت را بپذیرد (۸).

روش کار

روش‌شناسی پژوهش حاضر بر اساس مطالعه‌ای تاریخی-تحلیلی-تربیتی است. تاریخی است از آن بابت که چهار منبع اصلی مورد استفاده در پژوهش حاضر بر اساس مستندات تاریخی در خصوص شخصیت برزویه به استناد پرداخته‌اند. البته در اسنادهای شاهنامه در باب برزویه هر چند قسمت ساسانیان به گواه اکثر شاهنامه پژوهان از جمله صفا (۹) به عنوان بخش تاریخی در نظر گرفته می‌شود اما از دیدگاه پدیدارشناسی هرمنوتیکی گادامر (۱۰)، بازنمود شده در حقیقت و روش شخصیت مؤلف را نباید از اثر جدا کرد. هر چند در نگاه ظاهر جذابیت این بخش از قسمت‌های اساطیری و پهلوانی کم‌تر است اما اگر با دقت بیشتر و به عنوان جزئی از کل اثر بزرگ فردوسی در نظر گرفته شود همان معیارهای اساسی در این قسمت هم مشهود هست و یکی از آن معیارها اعتقاد به تربیت خسروانی در خصوص شخصیت‌های بزرگ شاهنامه است در نتیجه همان مؤلفه‌های اصلی تربیتی کیخسرو در خصوص برزویه حتی با وجود قابل قیاس نبودن تعداد ابیات مشهود است. با توجه به اینکه باب برزویه در شاهنامه با سه اثر اصلی دیگر در خصوص این شخصیت در پژوهش حاضر تطبیق داده

خواهند گشت. چون این پژوهش بر بزرگسالی این فرزانه ایرانی تمرکز دارد هر چند تربیت اوان کودکی، نوجوانی و جوانی در شکل‌گیری شخصیت بسیار مهم هستند اما آن‌ها را به مقال دیگر واگذار کرده، تمرکز پژوهش را بر بزرگسالی و تحصیل وی در پزشکی در دانشگاه گندی‌شاپور و سپس نقش وی در دربار انوشیروان متمرکز می‌کنیم.

خالقی مطلق در مورد این فرزانه چنین بیان داشته است که برزویه در شهر نیشابور دیده به جهان گشود؛ اینکه نیشابور یکی از اقلیم‌های آباد خراسان بزرگ بوده و محیط در پرورش آدمی نقش مهمی دارد بسیار قابل تأمل است. در سن هفت سالگی تعلیم و تربیت را آغاز کرده و راه را ادامه داده تا به دانشگاه گندی‌شاپور و رشته پزشکی رسیده است. یکی از نکات مهم در شیوه رفتاری وی، ویزیت رایگان بیماران بوده چون عطف به تربیت خسروانی که ذکر آن رفت بر این بیان مولانا اعتقاد داشته است که «طبییان الهیم، ز کس مزد نخواهیم - که ما پاک روانیم، نه طماع و پلیدیم». در ادامه زندگی به دربار انوشیروان راه یافته و جهت یافتن درخت بقاء راهی هند گشته است و پس از جستجوهای فراوان در مصاحبت فرزانه‌ای صاحب دل که همان فیض روح‌القدس ذکر شده است در معرض تربیت شهودی قرار گرفته و آگاه شده آن درخت که در جستجوی آن است کتابی است به نام پنجه تنتره که به زبان سانسکریت نگاشته شده و پندنامه‌ای است در مخزن پادشاهی. با دستور پادشاه بدان کتاب دست یافته ولی تنها مجال آن داشته که کتاب را در مکان مخصوص بخواند از این رو هر روز مقداری را که می‌خوانده از بر می‌کرده و در خلوت آن‌ها را به پهلوی نگارش می‌کرده است. پس از اتمام کتاب آن را به انوشیروان هدیه کرده و پادشاه در ازای این خدمت خزینه شاهی را در اختیار وی گذارده است که برزویه تنها به لباسی اکتفا کرده و در ازای رنجی که برده خواستار آن شده که شرح حالش در ابتدای کتاب نگاشته شود و این همان مرحله آخر تربیت خسروانی است که جاودانگی است (۶). باور فردی فردوسی در زندگی تمامی قهرمانان دست اول شاهنامه به گونه‌های متفاوت

شدند در نتیجه‌گیری، تحلیل گروه پژوهش بر اساس منابع اصلی و دیگر پژوهش‌های ذکر شده در قسمت‌های مختلف مقاله عرصه تحلیل انتقادی بوده‌اند تا نقاب از رخ اندیشه به بهترین شکل برداشته شود. و اما حاصل این تحلیل انتقادی تاریخی، دلالت‌های تربیتی است که فراگیر امروزی را از آبشخور تربیت ناب ایرانی در نیل به کمال انسانی و سپس مسیر جاودانگی سیراب گردانده و به قول حافظ در این شب سیاهی که راه مقصود گم گشته است چون کوكب هدایت از گوشه‌ای برون آید و رخ بنمایاند چون هنوز هم تشنگانی هستند که آن نور روی موسی عمران را آرزومندند.

نتایج

دو نتیجه کلی از پژوهش حاضر حاصل آمد نخست آنکه تربیت ایران باستان در ردیف کهن‌الگوهای تربیتی است که حاصل تعامل تمدن ایران با تمدن‌های شرق و غرب خود است و نتیجه این تعامل همسانی‌هایی در اصول تربیتی تمدن‌های هند، چین، ماوراءالنهر در شرق و ایلام، سومر، بابل، مصر، میان‌رودان، یونان و رم در غرب است البته تمدن‌های دیگر نظیر سکاها را هم باید در نظر داشت. این نام‌گذاری کهن‌الگویی به استناد آراء یونگ در خصوص مؤلفه‌های کهن‌الگوها قابلیت تبیین بیشتری دارد که پژوهشی مستقل را فراخور است و دوم آنکه دلالت‌های تربیتی شاهنامه را عطف به انواع تربیت می‌توان باز نمود کرد که این انواع تربیت در سطح پایه در راستای نیل به کمال انسانی عبارتند از تربیت هنری، خردورزانه، علمی، دینی و فرهنگی و در مرتبه عالی عبارتند از تربیت شهودی و جاودانه‌مانی. دلالت‌های تربیتی پژوهش حاضر در عصر کنونی هم قابلیت استفاده برای فراگیر امروزی را دارند.

بحث

بر اساس آنچه از دوران ساسانیان از منابع اصلی این پژوهش می‌توان استنباط کرد، پس از آنکه آن‌ها اشکانیان پارتی را سرنگون کردند و به قدرت رسیدند یکی از بزرگترین تهدیدهای

خارجی آن‌ها امپراطوری روم بوده است. در شاهنامه بر اساس آنچه که فردوسی بیان داشته که ذکر مختصری از پادشاهی اشکانیان در منابع یافته خیلی به صورت رسمی، نام و نشانی از آن‌ها نیست اما مطابقت واقعیت‌های دیگر تاریخی نشان از آن است که خاندان گودرز از جمله اشکانیان بوده‌اند که در روایت شاهنامه در قسمت پهلوانی آمده‌اند. کریستین سن و یارشاطر، فیشر و گرشویچ نیز بر این حقیقت اذعان داشته‌اند که ساسانیان خود را بازماندگان هخامنشیان معرفی نموده و نسب خود را بدان‌ها می‌رسانده‌اند و در پی تجدید حیات امپراطوری بزرگ ایران بوده‌اند که البته موفقیت قابل توجهی نیز در این امر داشته‌اند (۱۱)، (۱۲). در خصوص ساسانیان ذکر این نکته نیز مهم است که پس از حمله اسکندر و کشته شدن داریوش سوم یا به روایت شاهنامه دارا، مدتی اسکندر بر ایران حاکم بود و پس از او سلوکیان و سپس اشکانیان و پس از آن‌ها نوبت به ساسانیان رسید. یکی از شواهد بازمانده تاریخی از زمان ساسانیان خداینامگ‌ها برای مثال (هامین آنتیلا) است که ذکر پادشاهان ایرانی است و البته کوششی هدفمند در حذف اشکانیان و سلوکیان (۱۳).

داوری اردکانی معتقد است که توسعه واقعی به دست نخواهد آمد مگر آنکه توسعه همه جانبه باشد. از آنجا که تمرکز پژوهش حاضر بر دوره ساسانیان است باید به مراکز علمی آن دوران از جمله دانشگاه گندی‌شاپور توجه خاص کرد چرا که دانشگاه محل رفت و آمد ایده‌های مختلف و چه بسا متناقض است که چون ریشه‌های علمی دارند سبب‌ساز توسعه خواهند گشت (۱۴). تعلیم و تربیت رسمی و برنامه‌درسی در دانشگاه بسیار نقش کلیدی داشته و در واقع دانشگاه را پاسخگو نیازهای اجتماع خواهند کرد و به تعبیر دیویی هدف اصلی آموزش و پرورش که یاددهی مهارت‌های اجتماعی است در دانشگاه کامل خواهد شد چرا که در مقاطع قبلی شناسایی و پرورش استعداد‌های فردی انجام پذیرفته و بر اساس برنامه‌درسی شخصی‌شده یا به عبارتی دیگر یادگیری شخصی‌شده مسیر فرد هدف‌گذاری مناسب گردیده است (۱۵). همان‌گونه که مسیر

در ایران باستان به پنج شاخه تقسیم می‌شده است که عبارتند از:

- سلامت (Health)
- پزشکی قانونی (Forensics)
- جراحی (Surgery)
- داروهای گیاهی و بیماری‌های داخلی (Herbal Medicines and Internal Diseases)
- روان‌شناسی (Psychology) (۲۴).

صحت و عباسیون بروزیه را پزشک و مترجم برجسته عصر انوشیروان ساسانی معرفی کرده‌اند و شرح حال وی را عطف به مقدمه و باب بروزیه کلیله و دمنه ذکر کرده و یادآور شده‌اند که وی در مسیر تعالی خرد به مقام وزیر خردمند انوشیروان نیز رسید. از قول بروزیه چنین نقل می‌کنند که وی گفته شایسته‌ترین راه آن باید که به درمان ناخوشان مراقبت نمائی و نگویی که آن ناخوشان ارزش پزشک ندانند، بلکه بر آن بنگری که اگر بر بیماری و مرگ فائق آمدی و جانی را راحتی بخشیدی، صاحب ارزشی خواهی شد. در ادامه نویسندگان یادآور شده‌اند که مقدمه بروزیه حکیم در کتاب کلیله و دمنه را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود؛ ۱. اخلاق پزشکی و ۲. رهایی از دانش‌های ظاهری و روی آوردن به عرفان و جستجوی حقیقت (۲۵).

سبزیان‌پور و حسن‌زاده در تاملی که در کتاب کلیله و دمنه کرده‌اند مقدمه و باب بروزیه از این کتاب را بر اساس سنت هندی ندانسته‌اند بلکه به مستندات قوی افکار ایرانی و اسلامی را در آن قسمت‌ها یافته‌اند. موضوعات محوری این دو بخش عبارتند از: خردورزی، عشق به دانش، اعتقادات دینی، پایبندی به ویژگی‌های نیک اخلاقی، پرهیز از رزائل اخلاقی و گوش سپردن به پندهای حکیمانه. که این ابعاد با آنچه در خصوص پنج نوع تربیت محوری بازنمود شده در شاهنامه ذکر شد یعنی تربیت هنری، خردورزانه، دینی، علمی و فرهنگی تطبیق دارد (۲۶).

سیاسی در فصل نخست پزشکی در شاهنامه به روزهای نخستین دانش پزشکی در تمدن‌های بشری اشاره دارد و از آن

بروزیه برای تحصیل پزشکی هدف‌گذاری گردید و وی همراه با پزشکی در فلسفه، منطق، ادبیات، تاریخ و دیگر علوم رایج زمان سرآمد عصر خود شد و به عنوان یکی از نمونه‌های بارز تجلی همگرایی علوم قابل استناد است. پزشکی است که به مقام حکمت رسیده و در مسیر جاودانگی قدم برداشته است چرا که بدان مقام رسیده که آشکارا بگوید «حکیمیم، طبیبیم، ز بغداد رسیدیم - بسی علتیان را ز غم باز خریدیم». این مسیر تربیتی تنها در منابع ذکر شده ایرانی در دسترس نیست بلکه استناد به هنر و خرد به عنوان دو بال توامان پیشرفت و هدایت فراگیر در نیل به کمال انسانی در نظریه هنر افلاطون آنچنان که در رید (۱۶) تشریح شده نیز مورد استناد قرار گرفته است. علاوه بر رید در آثار بزرگان دیگر نظیر دیویی، تولستوی، پرکینز و برودی نیز تأکید بر یاددهی و یادگیری انواع و اقسام هنر از اوان کودکی مشهود است (۱۷)، (۱۸)، (۱۹)، (۲۰).

حدیدی، صحابی و امیرپور داریانی در نقدی اسطوره‌ای-کهن الگویی که با آراء یونگ متحول شد، زندگانی این فرزانه ایرانی را تحلیل کرده و مراحل ذکر شده در نقد را با شواهد عینی در زندگانی و طی طریق بروزیه نشان داده‌اند (۲۱). این تحلیل مسیر با مدل تربیت خسروانی برگرفته از شاهنامه قابل تطبیق است که چگونه رشد روانی فراگیر تکمیل می‌شود و وی به درجه کمال و تعالی می‌رسد البته همان‌گونه که ذکر شد تا فراگیر به جاودانگی نرسد طی طریق تمام نگشته است. البته این سیر و سلوک فقط جنبه ایرانی نداشته و می‌توان آن را در آثار دیگر بزرگان جهان نیز مشاهده کرد. دو نمونه قابل ذکر در این خصوص سیر و سلوک ترسا اثر جان بانیان (۲۲) و آن خردمند دیگر اثر هنری ون‌دایک (۲۳) هستند.

گیلاوند تاریخچه علوم پزشکی در گذار اعصار را در دانشگاه گندی‌شاپور مورد مذاقه قرار داده است. ثریتا (Thrita) اولین پزشک ایرانی است که با استفاده از گیاهان دارویی به معالجه بیماران می‌پرداخت و حتی جراحی هم انجام می‌داد. وی در ادامه ذکر کرده است که دانش و آموزش پزشکی

جمله تمدن‌های بزرگ بدون شک، تمدن ایران باستان است. وی به یافتن جمجمه دختری نوجوان در شهر سوخته واقع در سیستان امروزی اشاره دارد که در ۴۸۰۰ سال پیش تحت عمل جراحی کرانیوتومی (Craniotomy) قرار گرفته است. وی نیز به وجود ثریتا اشاره دارد و آنچه در باب پزشکی و استفاده از گیاهان دارویی در شاهنامه آمده است از جمله تولد رستم که همان سزارین امروزی است و تجویزهایی که سیمرغ برای بیهوشی رودابه و سپس دوران بهبودی وی دارد. در پادشاهی تهمورث دیو بند برای نخستین بار در شاهنامه واژه پزشک استفاده گردیده است «پزشکی و درمان هر دردمند - در تندرستی و راه گزند». در بررسی‌های تطبیقی-تاریخی در تعلیم زردشت هم تأکید بر علوم سلامت به چشم می‌خورد. وی با قربانی کردن انسان‌ها در مقابل خدایان مخالفت آشکار نمود و درمان بیماری‌ها را به سه روش گیاه پزشکی، کارد پزشکی و تلقین کلام مقدس توصیه نمود (۲۷).

کیان‌راد شرح حال برزویه را به عنوان یکی از مشاهیر پزشکی ایران بررسی می‌کند و ذکر می‌دارد که ابن‌مقفع، خسرو انوشیروان را باعث اعزام برزویه به هند می‌داند اما فردوسی چنان پرداخت کرده است که خبر گیاه بقاء و معجزه‌گر از طرف خود برزویه به پادشاه اعلام می‌گردد. شرح حال سفر برزویه به هند و چگونگی فراگیری سانسکریت توسط برزویه از ناگشوده‌های قابل تامل در زندگی این فرزانه ایرانی است (۲۸).

دری در این پژوهش بر این محور متمرکز شده است که آیا برزویه و بزرگمهر یک شخصیت است یا دو تن بوده‌اند. وی به پژوهش‌های نولدکه و کریستین سن در این خصوص اشاره کرده است و احتمال آنکه این دو نفر در واقع یک شخصیت باشند را قوی دانسته است اما اگر به شاهنامه استناد کنیم، برزویه و بزرگمهر دو نفر هستند و هر یک صاحب مقام و دانشمندی در خور ستایش (۲۹).

فردوسی در شاهنامه پیرایش خالقی مطلق در باب برزویه طبیب با عنوان «گفتار اندر آوردن کلپله و دمنه از هندوستان» در معرفی برزویه چنین آورده است که :

«پزشکی سراینده برزوی بود - به پیری رسیده سخن‌گوی بود

ز هر دانشی داشتی بهره‌یی - به هر بهره‌یی در جهان شهره‌یی»

و در بیان آرزوی برزوی در کسب مقام جاودانگی چنین بیان داشته است که:

«چو بنبیسد این نامه بوذرحمهر - گشاید بر این رنج برزوی چهر،

نخستین در از من کند یادگار - به فرمان پیروزگر شهریار،
بدان تا پس از مرگ من در جهان - ز داننده رنجم نگرده
نهان!» (۳۰).

در نتیجه‌گیری این پژوهش توجه به دو نکته اساسی از اهمیت خاص برخوردار است. نکته نخست آن است که داوری اردکانی بدان اشاره نموده که توسعه به دست نخواهد آمد مگر ابعاد نقشه راه آن همه جانبه دیده شود (۱۴). بررسی دلایل پیشرفت کشورهای جهان اول این حقیقت را بیشتر آشکار می‌سازد که اگر توسعه هست در همه ابعاد است؛ نمی‌توان بعد یا ابعادی را دست ناخورده رها نمود و آنگاه رویای مرجعیت علمی در سر داشت. پیامبر نیز فرموده اگر از دری فقر وارد شود از در دیگر ایمان برون خواهد رفت در نتیجه توجه به اقتصاد، فرهنگ، تعلیم و تربیت و همه ابعاد توسعه باید در نقشه راه تعالی مورد توجه قرار گیرد و یکی از ابعاد این تعالی، بدون شک ارتباط با دنیا و دیگر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها است همان‌گونه که در اعصار موفق تاریخ ایران نیز شاهد آن هستیم. تمدن هخامنشی، ساسانی و ساسانی که نمونه‌هایی از رنسانس‌های ایران در طول تمدن هستند بر این مهم صحه گذارند که بدون تعامل تمدن‌ها و فرهنگ‌ها راه توسعه میسر نخواهد شد.

و اما نکته دوم که می‌توان از این پژوهش برداشت کرد، دلالت‌های تربیتی (educational implications) آن است. همان‌گونه که بیان شد تربیت خسروانی بر پنج رکن پایه استوار است که عبارتند از تربیت هنری، خردورزانه، دینی، علمی و فرهنگی و اگر این انواع در تربیت فراگیر به کار گرفته

کفر و ایمان چه به هم نزدیک است
عشق هم در پی ما سردرگم
مثل بیداری و بهت مردم»

شوند انتظار آن است که فراگیر به کمال انسانی رسد و همان‌گونه که ذکر آن رفت این ابعاد منحصر به تمدن و فرهنگ ایران باستان نیست. از هر کدام از انواع تربیت‌های مذکور برای نمونه، یک دلالت ذکر می‌شود.

نتیجه‌گیری

یکی از اصول آموزش از جمله آموزش پزشکی معرفی الگو برای دانشجویان است. با توجه به اینکه بروزیه، طبیبی نام‌دار بوده که علاوه بر پزشکی توانسته در زمینه‌های دیگر نظیر فلسفه، زبان‌شناسی، ادبیات و منطق تبحر پیدا کند می‌تواند الگویی مناسب جهت فراگیر امروزین باشد. این معرفی الگو به خصوص در برنامه‌درسی ۹۶ دانشجویان پزشکی در درس آداب پزشکی جایگاه خاص دارد ضمن آنکه در سند توانمندی‌های دانش‌آموختگان رشته پزشکی توجه به نقش بی‌بدیل علوم انسانی در آموزش پزشکی مورد تأکید قرار گرفته است.

تشکر و قدردانی

آنچه می‌توان به عنوان تشکر و قدردانی ذکر کرد بزرگواری و صبوری اساتید برجسته‌ای است که در این پژوهش یاری‌کنندگان گران‌بها بودند که بدون حمایت آن‌ها هرگز کار به مقصور نمی‌رسید.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی ندارند.

- **تربیت هنری**: کشف استعدادهای هنری از اوان کودکی
- **تربیت خردورزانه**: آموزش اصول تربیت خردورزانه بر اساس مراحل رشد برای مثال مراحل امام محمد غزالی یا پیازه
- **تربیت دینی**: توجه به تساهل و تسامح در ذات تربیت دینی
- **تربیت علمی**: طراحی و تدوین برنامه‌درسی بر اساس اصول پایه علمی عطف به مراحل رشد
- **تربیت فرهنگی**: طراحی و تدوین برنامه‌های‌درسی بر اساس بافتار جغرافیایی و احترام به تمامی قومیت‌های کشور و معیارهای ملی
- و آنگاه که این مراحل پایه پیموده شد می‌توان در راه تربیت شهودی و تربیت جاودانه‌مانی گام برداشت.
- **تربیت شهودی**: تأکید بر نقش تربیت شهودی عطف به مراحل رشد
- **تربیت جاودانه‌مانی**: طراحی و تدوین برنامه‌های‌درسی بر اساس زندگی افراد مانای تاریخ
- نکته پایانی آنکه در مسیر تربیت آنچنان که باقری تبیین کرده است باید به نقش عاملیت انسانی در تعیین سرنوشت و البته دور روزگار هم بسیار توجه نمود (۳۱) چون «این راه را نهایت صورت کجا توان بست - کش صد هزار منزل بیش است در بدایت». در مسیر همه به مقام کیخسروشدن نخواهند رسید چون حکایت تاریخ و توجه به نوشته‌های بزرگان هر ذهن آگاهی را به سرنوشت کسانی چون شیخ صنعان در منطق‌الطیر عطار (۳۲)، برصیصا در تورات. (۳۳)، فاوست‌گوتته (۳۴) و دوریان گری اسکار وایلد (۳۵) رهنمون شده و مرتب متذکر می‌شود که
- «مرز در عقل و جنون باریک است»

References

1. Rashidi, S.H. *This is Amir Khani*. Pakistan: Sindhi Adabi Board. 1961. Reterived from http://www.sindhiadabiboard.org/catalogue/history/Book38/Book_page11.html.
2. Jung, C. G. *The concept of the collective unconscious. Collected works*. 1936; 9(1), 42.
3. Jung, C. G. *The archetypes and the collective unconscious (2nd ed.)*. Routledge. 2014; 1-589.
4. Parniyan, M., Omidian, M., and Hosseini Abbariki, S.A. *Art in Shahnameh*. A Quarterly Specialized in Persian Poetry and Prose. 2011; 5 (1), 263-276. [Persian]

5. Sadeghi Givi, M. *Analysis of the fundamentals of rationalism in Shahnameh*. Quarterly of Literary Research. 2010; 35-66. [Persian]
6. Khaleghi-Motlagh, J. *Borzūya*. Iranica Encyclopedia. 1989; Vol. IV, Fasc. 4, pp. 381-382. [Persian]
7. Meskub, Sh. *The gift of ant*. Tehran: Ney Publications. 2005; 1-274. [Persian]
8. Sajadi, S. *Borzuya*. Tehran: The great encyclopedia of Islam. 2020. Reterived from <https://www.cgie.org.ir/fa/article/228558/%D8%A8%D8%B1%D8%B2%D9%88%DB%8C%D9%87>. [Persian]
9. Safa, Z. *Epic in Iran*. Tehran: Amirkabir Publications. 1984; 1-675. [Persian]
10. Gadamer, H.G. *Truth and method*. New York: A&C Black. 2013; 1-637.
11. Christensen. A. *Iran during Sassanid era*. Translated by Rashid Yasimi. Tehran: Negah Publications. 1979; 1-888.
12. Yarshater, E., Fisher, W. B., & Gershevitch, I. *The Cambridge History of Iran (Vol. 3)*. Cambridge University Press. 1983; 1-964.
13. Antila, H. *Khodaynamag*. Translated by Mahnaz Babayi. Tehran: Morvarid Publications. 2021; 1-321.
14. Davari Ardakani, R. *Wisdom and development*. Tehran: Sokhan Publications. 2018; 1-370. [Persian]
15. Dewey, J. *Democracy and education*. Macmillan. 1916; 1-288.
16. Read, H. *Education through art*. London. 1948; 1-325.
17. Dewey, J. *Art as experience*. Penguin. 2005; 1-445.
18. Tolstoy, L. *What is art?* Translated by Kaveh Dehgan. Tehran: Amir Kabir Publications. 2004; 1-270.
19. Perkins, D. N. *The intelligent eye: Learning to think by looking at art*. Getty Publications. 1994; 1-110.
20. Broudy, H. S. *Enlightened cherishing: An essay on aesthetic education*. University of Illinois Press. 1994; 1-120.
21. Hadidi, M., Sahabi, Sh., and Amirpour Daryani, J. *An archetypal study and the Borzuya chapter based on the narrative pattern according to Jung's theory*. Language and Literature Journal of Tabriz University. 2020; 73 (241), 73-96.
22. Bunyan, J. *The pilgrim's progress*. New Leaf Publishing Group. 2005; 1-184.
23. Van Dyke, H. *The story of the other wise man*. Harper & brothers. 1923; 1-28.
24. Gilavand, A. *Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences over years; The history of AJUMS*. Jentashapir Health Res. 2016; 7(5): e42677.
25. Sehat, S, and Abasiyun, K. *Borzuya the sage and medical ethics*. Medical Ethics. 2015; 24 (1), 97-99. [Persian]
26. Sabziyanpour, V., and Hasanzadeh, A.A. *Introduction of Kalila va Dimna and Borzuya chapter, a window to culture and education in Iran*. Quarterly of Didactic Literature. 2013; 5(20), 103-136. [Persian]
27. Siyasi, M. *Medicine in Shahnameh*. Tehran: Mirmah Publications. 2009; 1-160.
28. Kiyarad, H. *Introduction of the famous persons in Islamic-Iranian physician, Borzuya*. Quarterly of Islamic-Iranian Traditional Medicine. 2010; 1(1), 87-89. [Persian]
29. Dori, Z. *The Borzuya reality over history*. Quarterly in specialized Persian language and Literature. 2009, 1, 7-25. [Persian]
30. Ferdowsi, A. *Shahnameh*. Edited by Jalal Khaleghi Motlagh. Tehran: Sokhan Publications. 2007; 1-1212.
31. Bagheri Noaparast, Kh. *Human agency*. Tehran: Vakavesh Publications. 2020; 1-786.
32. Atar, F. *Montegh Al Teyr*. Tehran: Sokhan Publications. 2013; 1-222.
33. *Old Testament*. Translated by Piruz Sayar. Tehran: Hermes Publications. 2021; 1-1301
34. Goethe, V. *Faust*. Translated by B Azin. Tehran: Nilufar Publications. 2021; 1-420.
35. Wilde, O. *The picture of Dorian Gray*. OUP Oxford. 2006; 1-198.

Borzuya, The physician: A curriculum output of Khosravani Education

Aghabagheri M (PhD Student)¹, Mehrmohammadi M (PhD)^{2*}, Bagheri Noaparast Kh (PhD)³

¹ *PhD Student, School of Islamic Education, Department of Curriculum Planning, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran*

² *Professor, School of Humanities, Department of Education, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran*

³ *Professor, School of Psychology and Education, Department of Philosophical and Social Foundations of Education, University of Tehran, Tehran, Iran*

Received: 14 Jan 2023

Revised: 08 Feb 2023

Accepted: 18 March 2023

Abstract

Introduction: Borzuya, the physician, a sage as well, is one of the prominent figures of Shahnameh in Sassanid era especially in Nushirvan court. In seeking of the immortality tree, he made a voyage to India. Such a burden to bear for memorization and its translation to Pahlavi and then dedication the work made him immortal owing to the allocation of the first chapter as Borzuya, the sage.

Methods: Regarding a method fusion of history, analysis, and education, the germane sources were reflected upon and some presuppositions were critically pondered as the similarity of Borzuya and Bozorgmehr. However, these names are two distinguished figures in Shahnameh, a physician and a minister, respectively. Regarding, the concept of development is not allocated to one facet, but it is multifaceted. Also it must be noted that the true outreach won't come but with comprehensive and true thinking, design, edit, execution and assessment.

Results: First, the education of Ancient Persia is categorized as an educational archetype due to interaction of Iranian civilization with its east and west civilizations. Second, the educational implications of Shahnameh can be represented in different levels; basic (art and wisdom education) and supreme (intuition and immortality education).

Conclusion: One of the principles of education including medical education is allocated to the role model presentation for the students. Owing to the personality of Bozuya who was a famous physician and furthermore he was an expert in philosophy, linguistics, literature, and logic, he can be presented as an appropriate role model for any contemporary learner.

Keywords: Borzuya, Khosravani education, Shahnameh, Educational archetype

This paper should be cited as:

Aghabagheri M, Mehrmohammadi M. and Bagheri Noaparast Kh ***Borzuya, The physician: A curriculum output of Khosravani Education.*** J Med Edu Dev; 18(1): 392 - 400.

*** Corresponding Author: Tel: +989121039032, Email: Mehrmohammadimahmoud@gmail.com**